

از باندونگ - تا هاوانا

به مناسبت چاردهمین نشست سران کشورهای جنبش عدم انسلاک

سازمان ملل متحد، از جانب کشورهای قدرتمند جهان، به منظور پیشگیری درگیرها و مناقشه ها و ترویج صلح جهانی ایجاد گردید.

اقدام به ایجاد جنبش عدم انسلاک، خواست کشورهای جهان سوم بوده، هدفش را خودداری کردن از دخالت در مقابله موجود بین شرق و غرب (اردوگاه سوسیالیزم دولتی و جهان سرمایه داری) تشکیل میداد.

وضعیت متشنج کنونی سیاسی جهان، تحولات و تغییرهای وارد شده در آن و...، اهداف مهمتر و مصرانه تری را در پیشگاه جنبش مذکور، به ویژه برای ارتقای کیفی و مؤثریت نقش آن در حل کشیده گیهای جهانی قرار داده است.

درگیری دو جنگ جهانی، که شامل حال یک نسل جامعه بشری بود و تبهکاری غیرقابل بیان را با خود همراه داشت، برای ابرقدرتهای مولود جنگ جهانی دوم، به منظور حفظ و توسعه ساحة تسلط شان و دستبرد سرشتی (استعمارگری) به آنچه در کره زمین پیدا میشود، ایجاب میکرد تا از شیوه های مدرن آن زمان از جمله، آغاز جنگ سرد و مرزبندیهای نظامی - سیاسی در دو پیمان «ناتو و وارسا» و دو قطب «غرب و شرق» استفاده نموده، سرزمینهای پیرامونی جهان را هدف تطبیق این پلانها قرار دهند.

تعدادی از کشورهای تازه رسته از بند استعمار جهانی، در قاره های آسیا و افریقا با درک ژرفی که از رنگگیری نُمای نو سلطه گریهای پیشتازان استعمار کهنه و نو داشتند و نمیخواستند تا در یکی از قطبهای آزمند تاریخ بار دیگر سنگ زیرین آسیاب بوده، بار مدّش بهره دهی را متحمل شوند و یا به مثابه میدان آزمایش و تاخت و تاز ابرقدرتها قرار گیرند، بناً در دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ عیسایی، در صد ساختن جنبش «غیرمتعهدها» گردیدند و برای اولین بار در سال ۱۹۵۵م در شهر **باندونگ** اندونیزیا- سران کشورهای هند، (جواهر لعل نهرو)، اندونیزیا، (سوکارنو)، مصر، (جمال عبدالناصر) و بسیاری دیگر- و بعداً در سال ۱۹۶۱م در شهر **بلگراد** یوگوسلاویا، تحت رهبری، (جوزف بروس تیتو)، اجتماع وسیعتری از رهبران کشورهای آسیایی و افریقایی گردهم آمدند و اهداف روشن خود را راه مبارزه با امپریالیزم، استعمار، تبعیض نژادی اعلام نموده، خواستار تلاش برای کاهش تشنج و کشمکش در روابط بین المللی، ترویج و استفاده از شیوه های مسالمت آمیز رفع اختلافهای جهانی (مذاکره، داوری، میانجگری)، رعایت اصول تساوی حقوق ملتها و احترام به تمامیت ارضی و حاکمیت ملی، گسترش همکاری بین ملتها، جانبداری از صلح جهانی، همزیستی مسالمت آمیز، پشتیبانی از منشور ملل متحد و اصول مسلم حقوق بین المللی، احترام به عدم تجاوز و مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر و عدم اشتراک در پیمانهای نظامی منطقه یی و جهانی گردیدند.

جنبش غیر متعهدها، در اوج جنگ سرد و فضای دو قطبی غرب و شرق که در بالا از آن یاد کردیم، ایجادگردید و با داشتن هویت ضد امپریالیستی و ضد استعماریش در ردیف نهادهای صلحجو و ترقیخواه آن برهه تاریخ زنده گی بشریت به حساب می آمد.

اما بعد از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد و به میان آمدن شیوه های جدیدی از تصاحب و تحت کنترل قراردادن جهان از یک سو و درگیر بودن اکثر اعضای این جنبش به فقر مالی و پراکنده گی فرهنگی، سیاسی و جغرافیایی از سوی دیگر، بهانه ها و موجهایی را برای لطمه زدن به انسجام این سازمان فراهم نموده اند. همچنان

ناکارآمدی این سازمان برای فضای کنونی سیاسی جهان، مؤثریتِ تصمیمهای آن را بر فضای بین‌المللی و جامعهٔ جهانی اندک و ناچیز کرده است.

بر مبنای همینها بود که اکثریتِ اشتراک‌کننده گانِ چهاردهمین نشستِ سران کشورهای غیرمتعهد در کیوبا «سپتامبر ۲۰۰۶م»، بار دیگر از همهٔ کشورهای عضو خواستند، تا با پدیده‌های ره‌آوردهٔ مناسبات نوین سرمایه‌داری جهانی (فقرِ روزافزون، تشنجه‌ها و تهدیدها، جنگها و غیره) متحدانه به مبارزه برخاسته و **کارآمدی و نقش** این سازمان را که اعضای آن دو-سوم (۶۰٪) خاک جهان را تشکیل میدهند، در راه به‌ترسازی فضای سیاسی جهان، البته با اتخاذ تصمیمهای مؤثر به اثبات رسانده، جنبش را از موضعِ انفعالی برهانند.

www.ayenda.org